

فصلنامه علمی سراج منیر، سال دهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۹-۱۵۹

مقاله پژوهشی

اسرائیلیات در تفسیر منهج الصادقین با تأکید بر داستان نوح(ع) در سوره هود(ع)

مینا شمخی*

استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

نصره باجی

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰)

چکیده

موضوع پیدایش اسرائیلیات در میان مسلمانان و راه‌یابی آن به حوزه‌های حدیث، تاریخ و تفسیر، بسی درخور اهمیت است. با آغاز عصر تدوین تفسیر، اسرائیلیات بسیاری که وارد حوزه‌ی فرهنگ اسلامی شده بود، به تفاسیر راه یافت که تفاسیر شیعه نیز از این امر مستثنا نبودند. شیوه‌ی تعامل مفسران شیعی با روایات اسرائیلی از جهت ذکر سند، نقد و رد آنها متفاوت بوده است. آسیب‌های اساسی این رویکرد تفسیری، به دو امر باز می‌گردد: یکی، پرهیز از بررسی سندی روایات و دیگری، پرهیز از تحلیل دلالتی و عرضه آنها بر دلایل قطعی نقلی و عقلی؛ چنان که میراث فرهنگ روایی اهل بیت (ع)، گنجینه‌ای علیه اسرائیلیات و خرافه است. یکی از تفاسیر شیعه، تفسیر «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین» نگاشته ملافتح‌الله کاشانی است که در آن روایات اسرائیلی به چشم می‌خورد. مفسر، گاهی این روایات را به منظور نقد آورده است؛ ولی در برخی موارد، مخصوصاً در داستان‌های انبیاء مانند داستان حضرت نوح(ع)، روایات اسرائیلی را بدون هیچ نقدی آورده است. این روایات افزون بر کاستی‌های سندی، از نظر محتوایی هم سستی‌هایی داشته و با نص صریح قرآن، احادیث معصومان(ع)، عقل و علم در تعارض‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، حدیث، منهج الصادقین، نوح، اسرائیلیات.

* نویسنده مسئول (E-mail: M_shamkhi@yahoo.com)

مقدمه

وجود داستان‌های متنوع از پیامبران و اقوام در قرآن از سویی و وجود خلأها و اجملات در این داستان‌ها از سویی دیگر، در کنار حس کنجکاوی مسلمانان در دانستن حقایق این داستان‌ها، موجب ورود احادیثی در این باره در تفاسیر فریقین شد که بعدها بسیاری از آنها به اسرائیلیات مشهور گشت. «اسرائیلیات» در اصطلاح، گاهی در معنایی ویژه، فقط بر آن دسته از روایاتی اطلاق می‌گردد که صبغهی یهودی دارد (ر.ک؛ مصاحب، بی‌تا، ج ۱: ۱۳۵) و گاهی در مفهومی گسترده‌تر از آن به کار می‌رود و هر نوع روایت و حکایتی را که از منابع غیراسلامی وارد قلمرو فرهنگ اسلامی می‌گردد، شامل می‌شود (ر.ک؛ نعنانه، ۱۳۹۰: ۷۳). برخی نیز تمام اخبار بی‌اساسی که دشمنان اسلام با سوء نیت جعل کرده تا مبانی فکری مسلمانان را سست نمایند، اسرائیلیات نامیده‌اند (ر.ک؛ ذهبی، ۱۴۰۵: صص ۲۲-۲۳). در این میان، همچنان که اشاره شد، تفاسیر شیعی نیز به دور از گزند این اسرائیلیات نبوده‌است، هر چند همه آنها به یکسان با این پدیده برخورد نکرده‌اند. برای مثال در تفسیر قمی (۳۰۷ ق)، روایاتی وارد شده که با موازین عقل و شرع سازگار نبوده، به هیچ روی نمی‌توان به آنها اعتماد کرد (ر.ک؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۱: صص ۱۸۸-۱۸۹) و در تفسیر التبیان، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰) که پیروی از دلایل عقلی و نقلی را مسلم شمرده و در دلیل نقلی، تواتر بودن آن را شرط کرده، بسیاری از روایات و اقوال مفسران طبقه نخستین را نپذیرفته‌است، از این رو وقتی پاره‌ای از روایات اسرائیلی را که از امثال کعب الاحبار و وهب بن منبه و مانند آنها روایت شده، نقل می‌کند، آنها را نقد می‌کند و مجعول و بی‌پایه بودن آنها را با استدلال ثابت می‌کند (ر.ک؛ محمدقاسمی، ۱۳۸۸: ۲۲۵).

در تفسیر روض الجنان و روح الجنان، ابوالفتوح رازی (۵۳۵-۴۸۰) با این که درباره تاریخ گذشتگان و قصص انبیاء، مدعی پرهیز از بیان این گونه احادیث است (ر.ک؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۵۹)، اما هنگام بیان این مطالب، بسیاری از اسرائیلیات را

نقل کرده است که عمدتاً از العرائس ثعلبی که لبریز از اخبار ضعیف است (ر.ک؛ حقوقی، ۱۳۴۶-۱۳۴۸، ج ۱: ۲۶) و در تفسیر مجمع البیان نیز طبرسی (۵۴۸-۴۶۸)، گاه داستان‌ها و قصص اسرائیلی را با ذکر سند و انتساب آنها به راویانش - خواه از صحابه و تابعین باشند و خواه از مسلمانان اهل کتابی چون کعب الاحبار - در تفسیر خود آورده و در مواردی چند بدون هیچ نقد و تحلیلی از آنها گذشته است [مانند داستان خرافی عوج بن عناق] (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳: صص ۲۷۸-۲۷۹)، ولی هنگامی که چنین روایات و داستان‌هایی را مخالف با اعتقادات شیعه و مباین با مبانی شرع تشخیص داده، بدون مسامحه به آنها تاخته و بی پایه بودن آنها را ثابت کرده است؛ از جمله داستان‌های خرافی را که منافی عصمت انبیا باشد، تکذیب نموده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۸۳۵) و در تفسیر المیزان، علامه طباطبائی (۱۴۰۲-۱۳۲۱) را می‌توان از شاخص‌ترین مفسران در زمینه مقابله با اسرائیلیات دانست. وی اعتماد کامل به آثار و اخبار و قبول جمیع منقولات بدون تأمل و گزینش را مورد انتقاد قرار داده و معتقد است این عمل باعث آمیخته شدن روایات اسرائیلی با سایر روایات شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: صص ۱۲۳-۱۳۴).

علامه، هشدار می‌دهد که تعدادی از مفسران بدون بررسی روایات اسرائیلی به آنها اعتماد کرده و تفاسیر خود را با آن پر کرده‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۱۳۴). همچنین بسیار می‌شود که ایشان نصوصی را از تورات و انجیل نقل می‌کند و با قصه‌های قرآنی در موضوع خاصی مقایسه و بی‌اعتباری آن نصوص را اثبات می‌کند (ر.ک؛ الاوسی، ۱۳۷۰: صص ۲۴۱-۲۷۵). بالاخره یکی از این تفاسیر، تفسیر منهج الصادقین کاشانی است که در این مقاله، ضمن معرفی مختصر این کتاب و نویسنده آن، نحوه مواجهه این تفسیر با اسرائیلیات را مورد بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد.

پیشینه موضوع

«اسرائیلیات» یکی از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر به آن توجه بیشتری شده است. البته پیشتر برخی از مفسران مانند زمخشری و فخر رازی و... در ضمن تفاسیر خود، اشاراتی به این موضوع داشته‌اند؛ ولی امروزه کتاب‌های مستقلی همچون: «اسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفاسیر» از سعد یوسف محمود ابوعزیز؛ «الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث» از محمد حسین ذهبی، «الاسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفسیر» از محمد ابوشهبه و «الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر» از رمزی نعناعه؛ در این زمینه نگاشته شده است. نویسندگان این کتب ابتدا به مفاهیم کلی در مورد اسرائیلیات پرداخته‌اند، سپس روایات اسرائیلی موجود در هر یک از داستان‌های انبیاء را بصورت جداگانه بیان کرده و نقد کوتاهی بر آنها وارد کرده‌اند. همچنین پایان‌نامه‌هایی با عنوان «اسرائیلیات و تاثیر آن در تفاسیر قرآن کریم» از سید محمدحسین صادقی و «بررسی اسرائیلیات در تفسیر الدر المنثور و نور الثقلین» از مرجان نجفی؛ در این زمینه به نگارش درآمده است.

عده‌ای نیز در این زمینه مقالاتی نگاشته‌اند که از جمله آنها «اسرائیلیات در کتاب‌های تفسیری و تاریخی» از یعقوب جعفری نیا؛ «بررسی و نقد اسرائیلیات در تفسیر قرآن و احادیث اسلامی» از مهدی ایزدی مبارکه است. این مقاله نیز به طور اختصاصی با محوریت داستان نوح در سوره هود، به نقد و بررسی نحوه مواجهه کاشانی در تفسیر خود منهج الصادقین می‌پردازد؛ امری که به طور مستقل کسی از محققین بدان پرداخته است و امید است که با این تحقیق، ذهنیت درستی نسبت به موضع عموم تفاسیر شیعه در خصوص اسرائیلیات به دست آید. علت محوریت این سوره و داستان حضرت نوح (ع) در این مقاله به طور تفصیل در سوره اعراف، هود، مومنون، شعراء، قمر و نوح آمده است و از همه این موارد مفصل‌تر، سوره هود است، زیرا سرگذشت ایشان در ۲۵ آیه یعنی از آیه

۲۵ تا ۴۹ بیان شده است (ر.ک؛ مهرا، ۱۳۸۳ ج ۴: ۴). لذا ما معیار بررسی این داستان را سوره هود قرار داده ایم.

۱. آشنایی با ملّا فتح الله کاشانی

ایشان از مفسران به نام قرن دهم بوده، ولی متأسفانه هیچ یک از کتب تاریخی، سال تولد وی را ثبت نکرده اند. در مورد تاریخ وفات ایشان، دو قول وجود دارد. برخی سال وفات ایشان را ۹۷۷ هـ ق در کشمیر و عده ای، ۹۸۸ هـ ق در کاشان دانسته اند. آقا بزرگ تهرانی قول دوم را صحیح می داند (ر.ک؛ آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۷: ۲۳۴). بسیاری از علما، شخصیت کاشانی را ستوده و تفسیر منهج الصادقین را یکی از تفاسیر با ارزش دانسته اند (ر.ک؛ افندی، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۳۹۲؛ کحّاله، بی تا، ج ۸: ۵۱).

۲. آشنایی با تفسیر منهج الصادقین

تفسیر «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و إلزام المخالفین» نوشته ملا فتح الله کاشانی از علمای شیعه بوده که در قرن دهم (متوفی ۹۸۸ یا ۹۹۷ هـ ق) می زیست (ر.ک؛ آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۲۳: صص ۱۹۳ - ۱۹۴؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۱۰: ۱۹۷) این تفسیر، از تفاسیر ارزشمند شیعی است که به زبان فارسی و بنابر ادبیات قرن دهم، به صورت سلیس و روان نوشته شده است؛ هر چند برای خواننده امروزی، نوشته ای روان به حساب نمی آید.

گفته شده: «...این تفسیر به زبان فارسی است. تا سی چهل سال اخیر یگانه تفسیر فارسی متداول بود. مؤلف این تفسیر مرحوم ملا فتح الله بن شکر الله کاشانی است که در قرن دهم هجری می زیسته است. غالب تألیفات این مرد به زبان فارسی است؛ از جمله آنها شرح نهج البلاغه است که البته ترجمه ای است فارسی با شرحی مختصر (ر.ک؛ مطهری، بی تا، ج ۱۴: صص ۴۰۵ - ۴۰۶).

کاشانی در مقدمه تفسیر می گوید «پیش از شروع در مقصود مقدمه در سلک تقریر می باید که مبتنی باشد بر آنچه معرفت آن لازم است بر هر که در این علم خوض می نماید ...» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱: ۵)، لذا ده فصل را در مقدمه بیان می کند که به برخی مباحث مربوط به علوم قرآنی؛ مانند قاریان قرآن، معنای تفسیر و تأویل قرآن، اعجاز قرآن و ... اشاره دارد؛ همچنین مؤلف در بیان علت نگارش کتاب، انتقادات کلی بر تفاسیر دیگر می کند که تلاش کرده در تفسیر خود آنها را رفع کند (همان). او همچنین دلیل نام گذاری تفسیر خود به «منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و إلزام المخالفین» را دفاع و روشن ساختن راه و روش ائمه اطهار (ع) می داند (همان).

۳. اسرائیلیات در داستان حضرت نوح (ع)

متأسفانه بسیاری از روایات خرافی و جعلی در زمینه اندازه کشتی حضرت نوح (ع)، آفرینش عجیب حیوانات از همدیگر، فرزند حضرت نوح (ع)؛ در داستان زندگی این پیامبر، وارد شده است (ر.ک؛ مهران، ۱۳۸۳، ج ۴: صص ۷۱-۷۸؛ ابو عزیز، صص ۱۱۲-۱۱۵؛ قاسمی، ۱۳۸۳: صص ۲۷۱-۲۸۹).

عده ای از مفسران نیز این روایات اسرائیلی را وارد تفاسیر خود کرده اند و از آن روایات در جهت تفسیر آیات استفاده کرده اند (ر.ک؛ طبری، ۱۳۵۶، ج ۱۲: ۲۴؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۲۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶: ۲۷۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴: ۱۲۸). کاشانی نیز به برخی از این روایات اشاره کرده است. این روایات در سه دسته به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرند:

۳-۱. مشخصات جزئی کشتی

کاشانی در تفسیر آیه **(وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرِضُونَ)** (هود/۳۷) (و به ساختن کشتی در حضور و مشاهده ما و به دستور ما مشغول شو و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند دیگر با من سخن مگویی) و در مورد مشخصات کشتی همچون جنس، چوب، نحوه ساختن آن، اندازه طول و عرض و طبقه بندی آن روایات اسرائیلی زیادی به شرح زیر آورده است:

۳-۱-۱. طول و عرض کشتی

کاشانی از ابن عباس چنین نقل می کند: «نوح کشتی را در مدت دو سال از چوب ساج بساخت که طول آن سیصد ذرع بود و گفته اند که هزار و دویست، عرض آن پنجاه ذرع و بقولی ششصد و ارتفاع آن سی ذرع و بقولی سی و سه ذرع است و نیز از حسن نقل کرده که طول آن هزار و دویست گز بود و عرض آن ششصد گز بود» (کاشانی، ۱۳۳۶ ش، ج ۴: ۴۳۷؛ و نیز برای اصل حدیث ر. ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۶۷؛ ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۲۶۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۹۳).

۳-۱-۲. طبقه بندی کشتی

کاشانی درباره طبقه بندی کشتی حضرت نوح (ع) نیز چنین نقل می کند: «و آن را بر سه طبقه مرتب ساخت و به قیر مطلا گردانید و به حکم الهی زوجی از هر حیوانات جمع کرد و طیور را در طبقه علیا و سباع و بهایم را در سفلی و آدمیان را که از اهل ایمان بودند با امتعه و اغذیه در وسط جای مقرر فرمود» (همان).

و از کشاف نقل می کند که: «در طبقه اسفل وحوش و سباع و هوام بود و در بطن اوسط دواب و انعام و در طبقه اعلی نوح بود و کسانی از اهل ایمان که با او بودند و آنچه از اطعمه و امتعه محتاج الیه ایشان بود و جسد آدم (ع) را نیز در این طبقه نهاد بر وجهی که

معترض بود میان مردان و زنان» (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴: ۴۳۶ و برای اصل حدیث ر. ک؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۹۳).

۳-۱-۳. نقد و بررسی

لازم به ذکر است که چون اغلب احادیث این آیه دارای سند مشترکی هستند؛ لذا در ابتدا هر کدام از احادیث را به صورت جداگانه نقد محتوایی کرده سپس در پایان همه آنها را به صورت مشترک نقد سندی خواهیم کرد.

با نگاهی به تورات، به روشنی می‌توان فهمید که منبع همه روایاتی که به جزئیات کشتی نوح پرداخته‌اند؛ از تورات است، چنانکه در سفر پیدایش آمده‌است: «و چون رب دید شر انسان در زمین زیاد شد و تمامی خاطرات فکری قلب بشر همه روزه شر شد، رب غصه دار شد که دید عمل انسان در زمین این طور شده و در قلب خود تاسف خورد، به ناچار فرمان داد که جنس این بشر را که من آفریده‌ام از روی زمین محو کنید...! اما نوح، نعمت را در چشم رب بدید این‌ها همه فرزندان نوحند و نوح مردی نیکوکار و در میان اقربان و نزدیکان خود مردی کامل بود و با خدا سیر می‌کرد و برای او سه فرزند متولد شد به نام‌های «سام»، «حام» و «یافث» و زمین در پیش روی خدا فاسد شده و پر از ظلم گردید، خدا زمین را دید که فاسد شده، زیرا هر فردی از افراد بشر طریقه‌اش در زمین فاسد شد. آن گاه خدا به نوح فرمود که عمر کل بشریت بسر آمده و دارم می‌بینم که به زودی نابود می‌شوند، برای اینکه زمین از رفتار آنان پر از ظلم شده و من نابود کننده آنان و نابود کننده زمینم، تو برای خودت از چوب «کوفر» سفینه‌ای بساز و در آن کشتی خانه‌هایی جدا جدا بساز و از داخل و خارج آن را قیرمالی کن و آن را بدین منوال می‌سازی که طولش سیصد ذراع، عرضش پنجاه ذراع و بلندی‌اش سی ذراع باشد و برای آن پنجره‌ای به بلندی یک ذراع قرار می‌دهی و درب ورودی آن را که می‌سازی در دو سمت آن مسکن‌هایی روی هم، یعنی به صورت سه طبقه بالا و پایین و متوسط درست می‌کنی، که اینک من دارم طوفان آب بر روی زمین را می‌آورم همه جانداران روی

زمین می‌میرند؛ ولی من عهدم را با تو استوار می‌دارم، تو، فرزندان، همسرت و همسر فرزندان داخل کشتی می‌شوید و از هر جاندار صاحب جسد یک جفت داخل کشتی می‌کنی تا نسل آنها از بین نرود... و باید این یک جفت نر و ماده باشند. نوح بر حسب دستوری که خدای تعالی داده بود، عمل کرد» (تورات، سفر پیداش، ۲۰۰۲م، باب ششم، ۱۷-۶).

این روایات از چند نظر قابل بررسی هستند:

۳-۱-۳-۱. اشمال حدیث بر عجائب و غرائب و شرح و بسط جزئیات

یکی از معیارهای شناخت احادیث ساختگی، شرح جزئیات یک داستان یا واقعه بدون داشتن منبع معتبر است (ر.ک؛ بستانی، ۱۳۸۶ش: ۳۱۴). یکی از تفاوت‌های داستان نوح(ع) در تورات با قرآن؛ پرداختن به جزئیات است. قرآن کریم از ذکر جزئیات داستان ساکت است، ولی در بعضی از روایات مطالبی دیده می‌شود که بعید به نظر می‌رسد، امثال این معانی که بیشتر به جعلیات اسرائیلی شبیه است؛ در قصه سرایی‌های صحابه و تابعین، زیاد به چشم می‌خورد. از طرف دیگر دانستن این مسائل هیچ فایده‌ای ندارد. فرو رفتن در چنین جزئیاتی بخصوص با نبود روایات صحیح، هیچ ارزشی ندارد. آنچه از آیات فهمیده می‌شود این است که آن کشتی آنقدر وسیع بوده که ایمان آوردندگان به نوح و همراهان و وسایل مورد نیازشان و حیوانات را در خود جای داده‌است. قرآن نیز تنها به ذکر همین حد بسنده کرده‌است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۷: ۳۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ۲۴۹؛ طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰: ۳۸۳). ابن کثیر نیز پس از ذکر این روایات؛ آنها را روایات واقعا عجیب و غیر قابل اعتماد، معرفی می‌کند (ر.ک؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۶۸۸ و ج ۴: ۲۷۷).

۳-۱-۲. وجود تفاوت و تهافت در روایات

دلیلی دیگر که می‌توان برای ساختگی بودن این احادیث آورد؛ وجود تفاوت و تهافت بسیاری است که در این احادیث به چشم می‌خورد؛ به طوری که از حسن نقل شده: طول کشتی نوح یک هزار و دویست ذراع بوده و عرض آن ششصد ذراع. و قتاده گفته: طول آن سیصد ذراع و عرضش پنجاه ذراع و ارتفاعش سی ذراع بوده و در آن، در قسمت عرض آن قرار داشته‌است. و ابن عباس گفته: کشتی مزبور مرکب از سه طبقه بود. یک طبقه برای مردم و طبقه دیگر برای چهارپایان و طبقه سوم برای جانوران و وحوش، بدین ترتیب که طبقه زیرین جای وحوش و درندگان و جانوران بود و طبقه وسط جای چارپایان و خود نوح و همراهانش در طبقه بالا جای گرفتند در حالی که باز از ابن عباس نقل می‌کنند که طیور در طبقه علیا و سیاع و بهایم را در سفلی و آدمیان را که از اهل ایمان بودند با امتعه و اغذیه در وسط قرار داشته‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۲، ص ۵۵) و نیز برای اصل حدیث ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۶۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۲۶۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۹۳).

این همه اختلاف موجود در روایات خود دلیل بسیار قوی بر جعلی بودن آنهاست چرا که هر کس ظاهر و مشخصات کشتی را بر اساس ذهن خیال پرداز خود توصیف کرده‌است.

۳-۲. اسرائیلیات مربوط به حوادث شگفت انگیز کشتی نوح(ع)

۳-۲-۱. خلقت عجیب حیوانات از یکدیگر در کشتی

کاشانی از کشف نقل می‌کند؛ حواریان عیسی(ع) التماس کردند که شخصی را که در زمان نوح مرده باشد زنده کند، تا کیفیت کشتی نوح از او معلوم کنند حضرت عیسی(ع) پشته از خاک آورد و کمی از آن خاک برداشت و فرمود «أتدرون من هذا» می‌دانید که این خاک کیست گفتند اللّٰه و رسوله اعلم فرمود هذا کعب بن حام بن

نوح(ع) است بعد از آن عصا را بر آن پشته خاک زد و گفت «قُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ» پیری از آن جا برخاست و خاک از سر خود می‌افشاند عیسی او را گفت به این شکل مرده بودی گفت نه جوان مردم اما چون آواز تو بگوش من رسید که «قُمْ» گمان بردم که قیامت قائم شده از هول آن پیر شدم فرمود که از کیفیت و کمیت کشتی نوح ما را خبر ده گفت طول آن هزار و دویست گز بود و عرض آن ششصد گز و سه طبقه بود طبقه برای دواب و وحوش و طبقه برای طیور و طبقه از برای حضرت نوح(ع) و کسانی که با او بودند و چون سرگین چهارپایان بسیار شد و مردمان از آن متاذی شدند، حق تعالی از زیر دم پیلی یک جفت خوک بیافرید تا آن همه پلیدی‌ها و سرگین‌ها را بخوردند و چون موش در آن بسیار شد از بینی شیر گربه بیافرید و موشان را بخورد. حواریان گفتند یا روح الله بفرما تا(کعب بن حام بن نوح) با ما به شهر آید عیسی(ع) فرمود که چگونه با شما بیاید و حال آنکه روزی در زمین ندارد پس او را گفت که «عُدَّ بِإِذْنِ اللَّهِ كَمَا كُنْتَ» فی الحال بخاک پنهان شد (ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴: ۴۳۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۹۴؛ و نیز برای اصل حدیث ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۶۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۲۶۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۹۳).

۳-۲-۲. دعای خیر برای کبوتر و نفرین کلاغ

کاشانی در ادامه روایت بالا، باز از کشاف نقل می‌کند که:

«عیسی، او(کعب بن حام بن نوح) را گفت که نوح چگونه دانست، همه شهرها خراب شدند وی گفت: کلاغ را گفت که برو و در اطراف عالم بگرد و خیر بلاد را به ما برسان کلاغ برفت و به مردار مشغول شده، بسیار دیر کرد و نوح بر او نفرین کرد و گفت خدایا او را از طباع مردمان برمان و منزل او را در خرابه‌ها مقرر فرما و کبوتر را فرستاد و زود بازگشت دعای خیر در حق او تقدیم رسانید و گفت بار خدایا دل مردمان را به او مألوف گردان و او را در خانه‌ها جای ده» (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴: ۴۳۷)؛ نیز برای اصل

حدیث ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۶۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۲۶۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷؛ ج ۲: ۳۹۳).

متن این احادیث چنان تمسخرآمیز است که هر عاقلی با خواندن آن، پی به خرافی بودن آنها خواهد برد. متن غیر عقلانی آنها روشن‌ترین دلیل برای رد آنها است. مفسران در مورد این افسانه‌ها چنین گفته‌اند که در کتب روایی، از این قبیل روایات فراوان به چشم می‌خورد که موجب حیرت انسان می‌شود. خداوند، بز و میش را از ابتدا به همین گونه امروزی آفریده است و لازم نبود که گربه را از شیر یا خوک بیافریند و به فرض درست بودن، لازم نبود که نوح همه حیوانات را به کشتی وارد کند، بلکه کافی بود که یک حیوان وارد کشتی شده و از عطسه‌های مکرر او حیوان‌هایی که در آینده مورد نیاز بودند، خلق می‌شدند. این احادیث از اباطیل و اسرائیلیاتی است که با روح اسلام منافات دارد (ر.ک؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۶: ۲۵۳؛ رشیدرضا، بی تا، ج ۱۲: ۱۰۴؛ طباطبائی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۰: ۳۸۳).

۳-۲-۳. چگونگی وارد شدن شیطان به کشتی

کاشانی در مورد نحوه ورود شیطان به کشتی از ابن عباس چنین نقل می‌کند: اول چیزی که او را نوح در کشتی در آورد مورچه خورد بود و آخر خر؛ چون دراز گوش خواست که در کشتی رود، ابلیس در دنبال او آویخت هر چند دراز گوش را بر آن داشتند که به کشتی رود، امتناع کرد. نوح فرمود که «ادْخُلْ وَإِنَّ كَانِ الشَّيْطَانُ مَعَكَ» دراز گوش در کشتی رفت و ابلیس با او بود، چون نوح نگاه کرد و ابلیس را بدید گفت بیرون رو یا عدو الله ابلیس جزع کرد و زاری نمود. نوح وی را بر پشت کشتی نشانده و همچنین روایت می‌کند که مار و کژدم آمدند و گفتند که ما را در کشتی بر. گفت نبرم که از شما مضرت و ایذا به مردمان و بندگان می‌رسد گفتند که با تو عهد کردیم که هر که نام تو برد ما وی را گزند نرسانیم پس باین شرط ایشان را در کشتی آورد و از این جهت است که هر که از مار و کژدم ترسد این آیه بخواند که «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ * اِنَّا

كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ * إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ (صافات/۷-۸۱) (سلام و تحیت بر نوح [خدا پرست] در میان عالمیان باد* ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم* که او به حقیقت از بندگان با ایمان ما بود)؛ از گزند ایشان ایمن گردد (ر.ک؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴: ۴۳۹؛ و نیز برای اصل حدیث ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۳؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۷۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: صص ۲۷۰-۲۷۱).

۳-۲-۴. نقد و بررسی

ساختگی بودن این احادیث آنقدر آشکار است که نیازی به نقد و بررسی ندارند؛ به طوری که هر انسان عاقلی، وقتی با اینگونه داستان‌ها برخورد کند، متوجه خواهد شد که آنها تنها برخاسته از یک ذهن خیال پرداز می‌باشند. چرا که شیطان از جنس آتش است، پس نمی‌تواند در آب غرق شود و او هیچ ترسی از طوفان نداشته است که بخواهد وارد کشتی شود تا خود را نجات دهد (ر.ک؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

۳-۳. اسرائیلیات مربوط به نفرین حضرت نوح (ع) در حق فرزندش

۳-۳-۱. کاشانی در تفسیر آیه (حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَئِنَّا أَحْمِلُ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ) (هود/۴۰) [نوح به ساختن کشتی و قوم به تمسخر پرداختند] تا وقتی که فرمان [قهر] ما فرارسید و از تنور آتش آب بجوشید، در آن هنگام به نوح خطاب کردیم که از هر جفت حیوان دو فرد [نر و ماده] با جمیع خانواده‌ات جز آن [پسرت کنعان و زنت] که وعده هلاکش در علم ازلی گذشته و هر که ایمان آورده همه را در کشتی سوار کن [که از غرقاب برهند]. و گرویدگان به نوح عده قلیلی بیش نبودند.

در مورد علت نفرین حضرت نوح (ع) در حق فرزندانش چنین آورده است: «نوح ایشان را نزد کشتی آورد سرپوشی که ترتیب داده بود بر بالای کشتی پوشیده با پسران گفته بود که با زنان خود در کشتی خلوت مکنید، حام مخالفت کرده با زن خود مقاربت

کرد نوح(ع) دعا کرد و گفت «اللَّهُمَّ غَيْرْ نُطْفَتَهُ» حق تعالی نطفه او را در رحم زنش سیاه گردانید فرزندی که از او در وجود آمد سیاه بود و نسل او همه سیاه بودند و از این جهت او را ابوالسودان گفتند و عرب و روم و فارس و اصناف عجم ولد سام‌اند و تُرک و چین و صفالیه و یاجوج و ماجوج از ولد یافث می‌باشند» (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴: ۴۳۹؛ و نیز برای اصل حدیث ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۶؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۶۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: صص ۲۷۰).

۳-۳-۲. نقد و بررسی

چند دلیل در رد این روایت وجود دارد:

۳-۳-۲-۱. وجود تفاوت و تهافت در روایت

طبق برخی از آنها «حام» مورد نفرین قرار گرفته و سام و یافث مقرب نوح(ع) بودند (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶: ۲۷۳)، حال آنکه در روایت دیگر «حام و یافث» هر دو مورد نفرین قرار گرفتند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱: صص ۲۴۸-۲۴۷؛ جزائری، ۱۳۷۵: ۱۴۰). برخی، علت نفرین نوح(ع) را خلوت کردن با همسرش با وجود نهی حضرت نوح(ص) معرفی می‌کند (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۴۹). و در احادیث دیگر جرم او خندیدن به کشف عورت پدر معرفی شده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۳۷۶ش، ج ۱: صص ۲۴۸-۲۴۷؛ جزائری، ۱۳۷۵: ۱۴۰).

۳-۳-۲-۲. منافات با مقام نبوت

با توجه به این که خداوند، پیامبران را برای هدایت همه انسان‌ها فرستاده است؛ بعید به نظر می‌رسد که حضرت نوح(ع) یکی از بندگان خدا (در اینجا فرزندش حام) را نفرین کند در حالی که او به نوح(ع) ایمان آورده بود و جز نجات یافتگان از طوفان بود و اگر

این چنین بود که پیامبران انسان‌های گنه‌کار را نفرین می‌کردند بایستی هر قومی بدنبال نافرمانی، دچار نفرین پیامبر خود می‌شد، در حالی که واقعیت چنین نیست و این از ساحت مقدس پیامبران به دور است.

۳-۳-۲-۳. خلاف عدل

به فرض که قبول کنیم حضرت نوح(ع) فرزند خود را نفرین کرده است، باز جای این سخن باقی می‌ماند که «حام» مرتکب گناه شده است؛ ولی نفرین نوح(ع) دامنگیر فرزند او شده است(سیاه شدن کنعان و نسل او) در حالی که این برخلاف عدل است. علت مغضوب شدن کنعان از طرف تورات نویسان بخاطر این است که گفته شده کنعانیان فرزندان بنی‌اسرائیل را به قتل رساندند و زنان آنها را نیز به اسارت بردند. آنها با جعل این افسانه‌ها در واقع می‌خواستند انتقام خود را از کنعانیان بگیرند (ر.ک؛ قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۸۳).

این احادیث، علاوه بر اشکالات محتوایی از نظر سند نیز مخدوش هستند. محدثان این احادیث را با سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن محبوب عن الحسن بن صالح عن ابی عبدالله(ع)» آورده‌اند (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۴: ۲۱۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳: ۲۹۴). علمای رجال درباره «الحسن بن صالح» گفته‌اند؛ وی زیدی و بتبری مذهب، غیر موثق، ضعیف و متروک الحدیث است (ر.ک؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱: ۲۶۰ (پاورقی)؛ نراقی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۱۰). برخی نیز این احادیث را از «وهب بن منبه» نقل کرده‌اند (ر.ک؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۴۹۶). علاوه بر این، مفسران با سند دیگری «ثنا الحسین، قال ثنی حجاج عن مفضل بن فضالہ عن علی بن زیدبن جدعان عن یوسف بن مهران عن ابن عباس» روایت کرده‌اند (ر.ک؛ طبری، ۱۴۲۲، ج ۱۲: ۲۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵: ۱۶۷). علمای رجال «علی بن زیدبن جدعان» و «یوسف بن مهران»، هر دو را ضعیف شمرده و گفته شده «علی بن زیدبن جدعان» مجهول، لین الحدیث و مختلط الحدیث است (ر.ک؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۰ق، ج ۴: ۳۰۶؛ هیشمی، ۱۴۰۲ق، ج ۷: ۸۴).

۳-۴. طواف کشتی نوح به دور کعبه

۳-۴-۱. در مورد طواف کردن کشتی نیز چنین بیان شده است: «کشتی به هیچ موضع مستقر نشد تا آنکه به زمین حرم رسید و در موضع کعبه هفت بار طواف کرد و حق تعالی خانه کعبه را به آسمان برده بود» (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۴: ۴۴۰؛ و نیز برای اصل حدیث ر.ک؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۲۹؛ ثعلبی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۱۷۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷؛ ج ۲: ۳۹۷).

۳-۴-۲. نقد و بررسی

این حدیث و احادیث مشابه آن با سندهای متعددی روایت شده‌اند. برخی از محدثان این حدیث را بدون سند (ر.ک؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۵۵) و یا به صورت مرسل از «معمّر» آمده است (ر.ک؛ ابن حجر عسقلانی، العجائب، ۱۴۱۸، ج ۱: ۳۷۵)، عده‌ای نیز این حدیث را با سند «عن علی بن ابراهیم، عن ابيه، عن ابن محبوب، عن الحسن بن صالح، عن ابي عبد الله (ع)» آورده‌اند (ر.ک؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲: ۱۴۴؛ کلینی، ج ۲: ۲۱۲). پیشتر گفته شد که «الحسن بن صالح» ضعیف است. همچنین این حدیث با سند «ابن جریح عن ابن عباس» نقل شده است. به همین خاطر گفته شده که سند آن، مقطوع است. زیرا راویان، بین ابن جریح تا ابن عباس حذف شده است و ابن جریح مستقیم از ابن عباس نقل کرده است، در حالی که این امکان‌پذیر نیست (ر.ک؛ ابو عزیز، بی تا: ۱۱۵). همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد که «ابن جریح» مشهور به جعل احادیث و از اسرائیل پردازان است.

چنانکه از نظر گذشت وجود اختلاف در متن یک حدیث نشانه جعلی بودن حدیث است. این حدیث نیز به شکل‌های متعددی آمده است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۲۸). برخی گفته‌اند کشتی نوح یک هفته به دور کعبه طواف کرد. برخی مدت طواف را چهل روز نقل کرده‌اند. حتی گفته‌اند کشتی هفت بار، طواف نساء را انجام داده است. وجود چنین اختلافاتی در متن یک حدیث، خود بیانگر ساختگی بودن آنها است.

همچنین پذیرفتن طواف یک کشتی، مخالف با عقل و منطق است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۲۲۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۴۴۹).

نتیجه گیری

ورود اسرائیلیات در تفاسیر اختصاصی به تفاسیر سنی نداشته و تفاسیر شیعه را هم البته بامیزان کمتری در برگرفته است. ضعف سندی این روایات در مواردی از جمله: فقدان روایات مربوطه در کتب معتبر حدیثی اعم از شیعه و سنی، وجود انقطاع و ارسال در سند این روایات، حضور چهره‌های مشهور اسرائیلیات پرداز در سلسله سند این روایات خلاصه می‌گردد، علاوه بر ضعف سند، متن احادیث به دلیل ناسازگاری با قرآن، سنت قطعی، عقل و علم، نادرست و غیر قابل استناد می‌باشند. شیعه به برکت آموزه‌های اهل بیت (ع) با اسرائیلیات سرسازش نداشته و این نفوذ در تفاسیر از رهگذر بی‌توجهی به رهنمودهای آن بزرگان است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

کتاب مقدس. (۲۰۰۲م). ترجمه فارسی (ترجمه قدیمی). چاپ سوم. انگلستان: انتشارات ایلام.

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. تحقیق عبدالباری عطیه. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن تیمیه، احمد. (۱۳۹۲ق). *مقدمه فی اصول التفسیر*. به کوشش عدنان زرزور. بیروت: بی‌نا.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۴۲۰ق). *تغلیق التعلیق علی صحیح البخاری*. بیروت: المکتب الاسلامی.

- _____ . (۱۴۱۸ق). **العجاب فی بیان الاسباب**. تحقیق عبدالحکیم محمد الانیس. چاپ اول. سعودیه: دار ابن الجوزی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). **تفسیر القرآن العظیم**. تحقیق محمد حسین شمس الدین. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). **روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**. تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ابوعزیز، سعد یوسف محمود. (بی تا). **الإسرائیلیات و الموضوعات فی کتب التفاسیر قدیما و حدیثا**. قاهره: مکتبه التوفیقیه.
- افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی بیگ. (۱۴۰۱ق). **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**. تحقیق احمد الحسینی. بی جا: مکتب آیه الله مرعشی.
- الاوسی، علی. (۱۳۷۰ش). **روش علامه طباطبائی در تفسیر المیزان**. ترجمه سیدحسین میرجلیلی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ایازی، محمدعلی. (۱۴۱۴ق). **المفسرون حیاتهم و منهجهم**. طهران: مؤسسه الطباعة و النشر. وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن بن علی. (بی تا). **الذریعه إلى تصانیف الشیعه**. بیروت: دار الاضواء.
- بستانی، قاسم. (۱۳۸۶ش). **معیارهای شناخت احادیث ساختگی**. چاپ اول: اهواز. نشر رسش.
- ثعلبی نیشابوری، ابوالاسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. تحقیق امام ابی محمد بن عاشور. چاپ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- جزائری، نعمت الله. (۱۳۷۵ش). **قصص الانبیاء**. ترجمه یوسف عزیزی. بی جا: انتشارات هاد.
- جمعی از مستشرقان. (بی تا). **دایره المعارف الاسلامیه**. بیروت: دارالکتب العلمیه.

حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. تحقیق مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.

حقوقی، عسکر. (۱۳۴۶-۱۳۴۸ش). *تحقیق در تفسیر ابوالفتوح رازی*. بی‌جا: بی‌نا. خزانلی، محمد. (۱۳۵۵ش). *اعلام قرآن*. چاپ سوم. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳ش). *لغت نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات چاپ دانشگاه تهران.

دیاری، محمد تقی. (۱۳۸۳ش). *پژوهشی در باب اسرائیلیات در تفاسیر*. چاپ دوم. تهران: سهرودی.

ذهبی، محمدحسین. (۱۴۰۵ق). *الاسرائیلیات فی التفسیر و الحدیث*. الطبعة الثانية. دمشق: دارالایمان.

_____ (بی‌تا). *التفسیر و المفسرون*. لبنان: دار احیاء التراث العربی.

_____ (۱۳۸۲ق). *میزان الاعتدال*. به کوشش علی محمد بجاوی. بیروت: بی‌نا. رشید رضا، محمد. (بی‌تا). *تفسیر تفسیر القرآن الحکیم (المنار)*. چاپ دوم. بیروت: دارالمعرفه.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. چاپ سوم. بیروت: دارالکتب العربی.

سبحانی، جعفر. (۱۴۱۸ق). *موسوعة طبقات الفقهاء*. قم: مؤسسه امام صادق (ع). سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی.

صدر جواد، احمد. (۱۳۶۶ش). *دائرة المعارف تشیع*. تهران: بنیاد اسلامی طاهر. صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۵ق). *علل الشرائع*. مقدمه سید محمد صادق بحر العلوم. نجف: منشورات المكتبة الحدیثیه ومطبعتها.

- طباطبائی، سیدمحمد حسین. (۱۳۷۴ش). *المیزان فی التفسیر قرآن*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰ش). *مجمع البیان فی التفسیر القرآن*. مترجمان. چاپ اول. تهران: انتشارات فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار المعرفه.
- عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپ خانه علمیه.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. چاپ سوم. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات الصدر.
- قاسمی، حمید محمد. (۱۳۸۳ش). *اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان های انبیاء در تفاسیر قرآن*. چاپ دوم. تهران: سروش.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ش). *تفسیر القمی*. تحقیق سید طیب موسوی جزایری. چاپ چهارم. قم: دارالکتب.
- کاشانی، ملا فتح الله. (۱۳۳۶ش). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: کتاب فروشی محمد حسن علمی.
- کحّاله، عمر رضا. (بی تا). *معجم المؤلفین*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). *الکافی*. با تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. چاپ پنجم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۹ق). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۶ش). *حیوه القلوب*. تحقیق سید علی امامیان. چاپ دوم. قم: انتشارات سرور.

- مصاحب، غلام حسین. (بی تا). *دائرة المعارف فارسی*. بی جا: موسسه انتشارات فرانکین. مطهری، مرتضی. (بی تا). *مجموعه آثار*. تهران: انتشارات صدرا.
- معرفت، محمدهادی. (۱۴۱۸ق). *التفسیر والمفسرون فی نوبة التشیب*. چاپ اول. مشهد: الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۰۰ق). *اسرائیلیات القرآن*. الطبعة الاولى. بیروت: دارالجواد.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). *مجمع الفوائد*. قم: موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۷۴ش). *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- مهران، بیومی محمد. (۱۳۸۳ش). *بررسی تاریخی قصص قرآن*. ترجمه سید محمد راستگو چاپ اول. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۲۹ق). *مستند الشیعه*. بیروت: موسسه آل بیروت لاحیاء التراث.
- نعنانه، رمزی. (۱۳۹۰ش). *الاسرائیلیات و اثرها فی کتب التفسیر*. دمشق: دارالقلم و دارالبیضاء.
- هاکس، جمیز. (۱۳۴۹ش). *قاموس کتاب مقدس*. چاپ دوم. تهران: کتابخانه طهوری.
- هیثمی، علی بن ابی بکر. (۱۴۰۲ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. بیروت: منشورات دارالکتاب العربی.